

سردارانی که عشق را به تصویر کشیدند

امروز سالروز عروج بزرگمردانی است که عشق و ایثار را در تاریخ ایران اسلامی به تصویر کشیدند. مردانی که نام و خاطرشان هنوز هم دل‌ها را شیفته می‌کند.



ایسنا/آذربایجان شرقی: امروز سالروز عروج بزرگمردانی است که عشق و ایثار را در تاریخ ایران اسلامی به تصویر کشیدند. مردانی که نام و خاطرشان هنوز هم دل‌ها را شیفته می‌کند.

مهدی باکری در روز ۲۵ اسفند سال ۱۳۶۳ و طی «عملیات بدر» ندای حق را لبیک گفت و به مقام رفیع شهادت نائل آمد. پیکر مطهرش حین انتقال به پشت جبهه هدف دشمن قرار گرفت و وجودش به آب‌های موج دجله پیوست.

علی تجلایی به عنوان مسئول طرح و عملیات قرارگاه خاتم (ص)، مانند یک بسیجی گمنام در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ به شهادت رسید و پیکرش کاوش نشد.

مرور وصیت نامه‌های این شهدای بزرگوار در این روزها می‌تواند ما را بیشتر با ویژگی‌های متعالی آنها آشنا ساخته و مسیر درست را به نشان دهد.

وصیت نامه شهید مهدی باکری: خدایا مرا پاکیزه بپذیر

بسم الله الرحمن الرحيم
یا الله، یا محمد، یا علی یا فاطمه زهرا یا حسن یا حسین
یا علی یا محمد یا جعفر یا موسی یا علی یا محمد یا علی
یا حسن یا مهدی (عج) و تو ای ولی مان یا روح الله
و شما ای پیروان صادق شهیدان.

خدایا
چگونه وصیت نامه بنویسم در حالی که سراپا گناه و معصیت، و سراپا تقصیر و نافرمانیم؛ گرچه از رحمت و بخشش تو ناامید نیستم ولی ترسم از این است که نیامرزیده از دنیا بروم؛ رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم.
یا رب العفو.

خدایا نمیرم در حالی که از ما راضی نباشی.
ای وای که سیه روی خواهم بود.
خدایا! چقدر دوست داشتنی و پرستیدنی هستی
هیئات که نفهمیدم
یا اباعبدالله شفاعت.

آه چقدر لذت بخش است انسان آماده باشد برای دیدار ربّش! ولی چه کنم که تهیدستم. خدایا! تو قبولم کن
سلام بر روح خدا، نجات دهنده ما از عصر حاضر، عصر ظلم و ستم، عصر کفر و الحاد، عصر مظلومیت اسلام و پیروان واقعی اش.

عزیزانم
اگر شبانه روز شکرگزار خدا باشیم که نعمت اسلام و امام را به ما عنایت فرموده باز کم است. آگاه باشیم که سرباز راستین و صادق این نعمت شویم. خطر وسوسه‌های درونی و دنیا فریبی را شناخته و بر حذر باشیم که صدق نیت و خلوص در عمل، تنها چاره ساز ماست.
ای عاشقان اباعبدالله
بایستی شهادت را در آغوش گرفت، گونه‌ها بایستی از حرارت و شوقش سرخ شود و ضربان قلب تندتر بزند.

بایستی محتوای فرامین امام را درک و عمل نماییم تا بلکه قدری از تکلیف خود را شکرگزاری به جا آورده باشیم.

وصیت به مادرم و خواهران و برادران و اهل فامیل؛

بدانید اسلام تنها راه نجات و سعادت ماست، همیشه به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید. پشتیبان و از ته قلب، مقلد امام باشید، اهمیت زیاد به دعاها و مجالس یاد ابا عبدالله و شهدا بدهید که راه سعادت و توشه آخرت است.

همواره تربیت حسینی و زینبی بیابید و رسالت آنها را رسالت خود بدانید و فرزندان خود را نیز همانگونه تربیت دهید که سربازانی با ایمان و عاشق شهادت و علمدارانی صالح، وارث حضرت ابوالفضل (ع) برای اسلام به بار آیند. از همه کسانی که از من رنجیده اند و حقی بر گردن من دارند، طلب بخشش دارم و امیدوارم خداوند مرا با گناهان بسیار، بیامرزد.

خدایا! مرا پاکیزه بپذیر.

مهدی باکری

وصیت نامه شهید علی تجلایی: وفاداری را از پرچمدار ابا عبدالله (ع) آموخته ام

ای امام، ای رهبر امت، و ای پدر روحانی که با بیان خود نفوس طاغوتی ما را تزکیه نمودی، بدان، تا آخرین قطره خونی که در بدن دارم و تا آخرین دم حیاتم، مقلد و مأموم تو هستم.

به خدا سوگند، یک لحظه از این عهد و پیمانی که با تو بسته ام، نظرم بر نخواهد گشت و آخرین قطره خونی که از بدنم بیرون ریزد، نقش «خمینی رهبر» خواهد بست.

زیرا که من این وفاداری را از مکتب کربلا، از پرچمدار ابا عبدالله (ع) آموخته ام و عینیت این وفاداری را از سیدمان و مولایم شهید آیت الله بهشتی آموخته ام.

پدر و مادر عزیزم که غم و اندوه شهادت برادرم مهدی از دل شما بیرون نرفته، مبدا از شهادت من و برادرم متأثر شوید و هر چه گریه می کنید، گریه بر مصیبت‌های سرور شهیدان و اهل بیت او بکنید.

خوشحال باشید که در سایه برنامه های تربیتی اسلام، توانستید فرزندان را در خط ولایت و امامت پرورانید ... نه تنها برای مهدی و من و دیگر شهیدان گریه نکنید، بلکه گور و مزار ما را هم جستجو مکنید. به این بیاندهشید که ما برای چه شهید شدیم و چه راهی را برای رسیدن به مقصود و معبود خود برگزیدیم دعا کنید که خداوند متعال از گناهانم درگذرد.

همسر! می دانم پس از من بایستی مشکلات زیادی را در تربیت و بزرگ کردن فرزندان بدون پدر متحمل گردی بشارت بزرگی است برای شما که خداوند رحمان - اگر توفیق شهادت نصیب این بنده گناهکار بنماید - آنچنان که وعده فرموده، سرپرست اصلی شما خواهد بود که این نعمت و رحمت، شامل کمتر خانواده ای می شود. شکرانه این نعمت، صبر و استقامت در برابر مشکلات و عبودیت کامل به درگاه خداوند متعال می باشد. به جامعه نشان بده که چگونه می توان در عمل، پیرو حضرت فاطمه زهرا (س) و دخترش زینب (س) بود و هم مادری خوب بود و هم پیام رسانی آتشین که پیامش تاریخ بشریت را تکان دهد.

دخترم می دانم که حالا کوچکی و مرا به یاد نمی آوری ولیکن دخترم، وقتی که بزرگ شوی حتماً جویای حال پدرت و علت شهادت پدرت خواهی بود. بدان که پدرت یک پاسدار بود و تو نیز باید پاسدار خون پدرت باشی.

دخترم! می دانم یتیمانه زندگی کردن و بزرگ شدن در جامعه مشکل است ولیکن بدان که حسین و حسن و زینب یتیم بودند. حتی پیامبر اسلام نیز یتیم بزرگ شد. دخترم! هر وقت دلت گرفت، زیارت عاشورا را بخوان و مصیبت‌های سرور شهیدان تاریخ، حسین (ع) را بنگر و اندیشه کن امیدوارم که در آینده وارث شایسته ای برای پدرت باشی. پروردگارا مرا و فرزندانم را برپادارنده نماز قرار ده و دعایم را بپذیر.

برادران پاسدار امیدوارم با بزرگواری خودتان این بنده ذلیل خدا را عفو و حلال کنید. سفارشی چند از مولایمان علی (ع) برای شما دارم، باشد که راهنمای شما باشد در امر پاسداریتان.

در همه حال پرهیزگار باشید و خدا را ناظر بر اعمال خود بدانید

یاور ستمدیدگان و مستمندان جامعه و یاور تمامی مستضعفین باشید. مبادا یتیمان و فرزندان شهدا را فراموش کنید. در راه تحقق اهداف این انقلاب آزادی بخش، از جان و مال خود دریغ نکنید.

سلسله مراتب و اطاعت از مسئولان را با توجه به اصل ولایت رعایت کنید. در هر زمان و هر مکان، با دست و زبان و عمل، امر به معروف و نهی از منکر کنید.

برادران مسئول اگر به طور مستمر در جهت پیشبرد اهداف انقلاب، شبانه روز فعالیت می کنید، عدالت در کارهایتان و تصمیم گیری هایتان به عنوان یک مرز ایمان داشته باشید.

اگر این مرز شکسته شود و پای انسان به آن طرف مرز برسد، دیگر حد و قانونی را برای خود نمی شناسد. عدالت را فدای مصلحت نکنید.

پرحوصله باشید و در برآوردن حاجات و نیازهای زیردستان بکوشید. در قلب خود، مهربانی و لطف به مردم را بیدار کنید. طوری رفتار نکنید که از شما کراهت داشته باشند.

موفقیت شما را در جهاد درونی و جهاد آزادیبخش از خداوند متعال خواهانم. رفتن به جبهه ها و دفاع از کیان اسلام و قرآن برای مردان خدا تکلیف و امتحان بزرگی محسوب می شود.

زیرا جبهه آزمایشگاه مردان خداست... برای این آزمایش، بایستی از تمام وابستگی مادی و غیر خدا گسست و عاشقانه به سوی خدا شتافت.

از بدو انقلاب، رسیدن به لقاءالله و ریخته شدن خونم در پای درخت اسلام برایم اصل بوده و هست. جبهه آسان ترین و نزدیک ترین صراط برای رسیدن به این اهداف است. همه وقتی فهمیده اند که می خواهم به عنوان تک تیرانداز در عملیات شرکت کنم، مرا نصیحت می کنند و مشکلات زندگی و فرزندانم را به من گوشزد می کنند و سعی می کنند، تجربه ام و مسئولیتم را برایم بزرگ جلوه بدهند و القا کنند که برای سپاه و انقلاب و جنگ لازم تر هستم. ولی، همه باید بدانند که حرف من چیز دیگری و هدفم، هدف والایی است.

زیرا توفیق شرکت در مدرسه عشق و بسیج با ارزش و نتیجه بخش خواهد بود، زیرا ارزشهایی که از شرکت در جنگ، به دور از مسئولیت های دنیوی برای یک فرد رزمنده ساده نصیب می شود، خارج از بحث و فکر و عقل بشر خاکی است و بدانید که جبهه برای مردان خدا خیلی زیباست، زیرا هر چه در آن بینی، نور خداست و صحبت شهادت و ایثار.

حرف، حرف شهادت. و آنچه بینی چهره مردان مصمم و جوانان معصوم که با تمام وجودشان برای انجام تکلیف الهی، در رفتن به خط مقدم، سعی می کنند بر یکدیگر پیشی گیرند. حال، قضاوت کنید که انسان چگونه می تواند مصاحبت و برادری چنین انسانهایی را نادیده بگیرد؟

و اما نهایت سخنم، طلب رحمت از خداوند متعال برای شما، خانواده ام، همسر و پدر و مادرم است و درخواست حلالی این بنده گناهکار از تمام رزمندگان، به خصوص برادران لشکر عاشورا و سپاه منطقه پنج و قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) می خواهم که مرا حلال کنند، زیرا دیگر برایم قلباً الهام شده که این بار اگر خداوند رحمان و رحیم بخواهد - به فیض شهادت نائل خواهم آمد. لذا دیگر منتظر من نباشید چون من به دیدار معشوق خود و دیدار سرور آزادگان اباعبدالله (ع) و شهدای کربلا حسینی ایران شتافته ام.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.
علی تجلایی